

به نام فدای لوم و قلم



تالکت پارسنو و جامعه شناسی شخصیت



دکتر عباس محمدی اصل

سرشناسه: محمدی اصل، عباس، ۱۳۴۶
 عنوان و نام پدیدآور: تالکت پارسنز و جامعه‌شناسی شخصیت / عباس محمدی اصل
 مشخصات نشر: تهران: آرمان رشد، ۱۴۰۰
 مشخصات ظاهری: ۱۲۷ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۳-۵۰۶-۶
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 موضوع: پارسونز، تالکات، ۱۹۰۲-۱۹۷۹م (Parsons, Talcott)
 موضوع: جامعه‌شناسی (Sociology)
 موضوع: شخصیت (Personality)
 موضوع: کنش اجتماعی (Social Action)
 رده‌بندی کنگره: HM۴۷۹
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۱/۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۷۹۶۵۸
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

تالکت پارسنز و جامعه‌شناسی شخصیت

دکتر عباس محمدی اصل

ناظر چاپ: سید علیرضا صالحی
 شمارگان: ۳۰۰
 نوبت چاپ: اول
 سال چاپ: ۱۴۰۰

ویراستار: امیر نوید
 صفحه‌آرا: سیده سمانه حسن‌زاده
 طراح جلد: شیوا بهرامی
 مدیر فنی: سحر عظیمی



تهران، خ انقلاب، بین خ دانشگاه و خ ابوریحان، پلاک ۱۱۸۲، طبقه ۱۰

info@armanroshd.com ✉

www.armanroshd.com 🌐

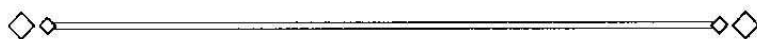
۷۶۴۸۶۰۱۳ 📞

۰۹۲۱۴۳۸۱۷۷۴ 📠

قیمت: ۴۷۰/۰۰۰ ریال

فهرست

۷	سخنی با خواننده
۱۵	مقدمه
۳۳	۱. چارچوب نظری تبیین شخصیت
۳۹	۱-۱. مقتضیات ساختی - کارکردی
۴۷	۱-۲. شخصیت در نظام اجتماعی
۵۶	۱-۳. هویت‌یابی شخصیت
۶۱	۱-۴. شخصیت در ملامات اجتماعی
۶۷	۲. ساخت اجتماعی و شخصیت
۶۸	۲-۱. فراخود و نظریه نظام‌های اجتماعی
۷۲	۲-۱-۱. نماد پدر
	۲-۱-۲. تابوی محرم‌آمیزی در رابطه با ساخت اجتماعی و جامعه‌پذیری
۷۳	کودک
	۲-۱-۳. ساخت اجتماعی و رشد شخصیت: سهم فروید در یگانگی
۷۵	روان‌شناسی و جامعه‌شناسی
۷۸	۲-۱-۴. برخی بازتاب‌های مسئله روابط روان‌تنی در سلامت و بیماری
	۲-۲. کلاس مدرسه به عنوان نظام اجتماعی: برخی کارکردهای آن
۸۲	در جامعه آمریکا



۸۴	۲-۲-۱. ساخت کلاس مدرسه ابتدایی
۸۵	۲-۲-۲. خانواده و گروه همالان در رابطه با کلاس مدرسه
۸۶	۲-۲-۳. تفکیک پذیری و گزینش در مدرسه متوسطه
۸۷	۲-۳. جوان در متن جامعه آمریکا
۸۹	۲-۴. پیوند سیرت و جامعه
۹۰	۲-۵. سلامتی
	۲-۵-۱. تعاریف سلامتی و بیماری در پرتو ارزش‌های ساختی جامعه
۹۱	آمریکا
۹۲	۲-۵-۲. بیماری روانی
۹۴	۲-۶. جامعه‌شناسی پزشکی
	۳. نظریه علمی رفتار انسانی
۹۷	۳-۱. خودآگاهی جامعه در جامعه‌شناسی
۹۷	۳-۲. فرد و جمع چون دو روی یک سکه
۹۹	۳-۳. زایش شخصیت از متن جامعه
۱۰۲	۳-۴. استمرار جامعه از طریق اشخاص
۱۰۵	
	۴. جمع‌بندی
۱۰۹	کتاب‌نامه



سخنی با خواننده

شخصیت (Personality)، متضمن خصائص اجتماعی فردی است که در جریان جامعه‌پذیری، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی- اجتماعی را درونی کرده و چنان آنها را با نیازهای سرمنشی فرامیخته که هویت متمایزش از دیگران بنا به خصایصی کمابیش ثابت در طول زمان و طی مکان قابل ارزیابی می‌نماید. این خصایص که عمدتاً وجه رفتاری دارند، شخصیت را به‌عنوان ایزه‌ای قابل ارزیابی عینی جلوه می‌دهند و لذا آن را از سوژه نفس (self) بواسطه خصلت وجدانی و درونی‌اش متمایز می‌سازند. در عین حال این مفهوم در تبیین و پیش‌بینی رفتار آدمیان می‌کوشد عملکردهای متنوع وضعیتی آنها را بنا به تمایلات و جهت‌گیری‌های‌شان برجسته کند. مع‌هذا مشکل آنجا است که بخواهیم چنین مفهومی را به‌عنوان خصائصی منحصر به فرد (Ideographic) در نظر آوریم یا خصایص استاندارد را در سنجش تعمیم‌پذیر (Nomothetic) شخصیت به‌کار گیریم.

زیکموند فروید (Sigmund Freud, 1856-1939) در حوزه روان‌شناسی

و روان‌کاوی، ساخت شخصیت را مرکب از سرشت (Id) و خود (ego) و فراخود (superego) می‌پنداشت و رفتار را حاصل پویایی‌های متقابل آنها می‌انگاشت و در نتیجه گمان داشت شخصیت بواسطه توفیق در مراحل مختلف رشد روانی-جنسی پنج سال اولیه زندگی پر و بال می‌گیرد. این نگاه بالینی به فرد و تشریح تفصیلی خصائص شخصیتی او با لحاظ جوانب مشاهداتی و درمانی اما نمی‌توانست پویه‌های کنشگری اشخاص را در وضعیت‌های پیچیده اجتماعی برملا سازد و بیشتر با نگاه به یکتایی اشخاص. رغبت‌های‌شان (disposition) را چونان تمایل به کنش و واکنش‌هایی معین دنبال می‌کرد.

نظر به چنین معیارهایی بود که در حوزه روان‌شناسی اجتماعی، گوردون آلپورت (Gordon Allport, 1897-1967) به خصائص شخصیتی بنا به مفاهیم کاربردی آن در زبان روزمره مردمان بگراست و پس از دسته‌بندی‌شان در حوزه معرفت عامیانه، به تبیین آنها همت گماشت. کار او را که باز هم نتوانست چند گامی از تأکید بر یکتایی خصائص شخصیتی فراتر رود، ریموند کاتل (Raymond B. Cattell, 1905-1998) بنا به تحلیل عاملی خصائص دووجهی سلطه-انقیاد، انقلابی‌گری-محافظه‌کاری و حساسیت عاطفی-پرطاقتی و هانس ایسنگ (Hans Eysenck, 1916-1997) با تقلیل همین خصائص به دو بعد برون‌تابی-درون‌تابی و روان‌نژندی پی گرفتند تا ویژگی‌های عام شخصیت را فراچنگ آورند.

امیل دورکیم (Emile Durkheim, 1858-1917) اما از منظری جامعه‌شناختی، نسبت خودکشی را با آسیب‌های روانی قطع کرد و چنین

الفا نمود که گویا شخصیت موضوعی است مورد توجه روان‌شناسی تا جامعه‌شناسی و احتمالاً در نتیجه همین ابلاغ نیز بود که پیمایش‌های اجتماعی، سنجش شخصیت را با پرسش از چند خصلت متفاوت و قابل مشاهده از سر وامی کردند. مع‌هذا قوت تأثیر دیدگاهی فروید بر حتی انسان‌شناسان فرهنگی به حدی بود که آنان نمی‌توانستند از تأمل در نیست شخصیت و فرهنگ به‌سادگی درگذرند و پیدا است که الهام‌گیری جامعه‌شناسانی چون ماکس وبر (Max Webber, 1864-1920) از ایشان در توضیح تناسب خصایص شخصیتی و سازمان اجتماعی با تأکید بر پیامد روحیه سرمایه‌داری از اخلاق پروتستان و جستجوی تجربی الگوهای نهادینه‌اش در متن شرکت‌های تجاری یا گروه‌های مذهبی تا چه پایه و مایه است. تنودور آدورنو (Theodor Adorno, 1903-1969) هم در توصیف شخصیت خودکامه، با بهره‌گیری از طیف گرایش‌سنج لیکرت توانست خصایصی چون قوم‌محوری، احترام به اخلاق درون‌گروه، تأکید بر تنبیه، تقدیرگرایی و مدارا ناپذیری با هرگونه ابهام و عدم قطعیت و شک و شبهه را به آن نسبت دهد. رأی او اما بواسطه تقلیل فرایندهای پیچیده تاریخی به نیازهای روان‌شناختی، مورد نقد جامعه‌شناسانی چون جان ماگ (John Madge, 1904-) قرار گرفت.

براین سیاق اگر بتوانیم بگوئیم یورگن هابرماس (Jürgen Habermas, 1929-) به تشریح تجلی خصایص شخصیتی نظیر زیست‌جهان‌های بینادهنی و استعمار نظری- ذهنی آنها در منافع و تعلقات سازنده اعصار تاریخی کنشگران تا تکوین کنش ارتباطی معاصر پرداخته باشد؛ اما این تالکت پارسنز

(Talcott Parsons, 1902-1979) است که تبیین مناسبات کنشی شخصیت و ساخت اجتماعی را در قالب نظام اجتماعی وجهه همت جدی ساخته است.

این کتاب به معرفی اجمالی یکی از آثار ارزشمند تالکت پارسنز، جامعه‌شناس شهیر ساختی-کارکردی ایالات متحده در نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی، تحت عنوان "ساخت اجتماعی و شخصیت" (Parsons, 1970) اختصاص دارد. او معتقد است «سطح "مدرن" تفکر جامعه‌شناختی از "ازدواج" هوشمندانه (Intellectual "marriage") عناصر فایده‌گرایانه (Utilitarian) و جمع‌گرایانه (Collectivistic) در سنن اندیشه اجتماعی غرب نشأت گرفته است» (Parsons, 1961: 360). گل سرسید این اندیشه، تبیین کلیت کنش (Action) و حتی پدیده‌های جهان فیزیکی است که توسط پارسنز به بار نشسته است. او به سنن ذره‌گرایانه (Atomism) و فردگرایانه (Individualism) و ایده‌آلیستی (Idealism) هم بی‌اعتنا نبوده و بلکه در آنها به دیده نقد نگریسته است. به نظر وی علیرغم نفوذ بوآس (Franz Boas, 1858-1942) بر انسان‌شناسی امریکا اما بواسطه تاریخ فرهنگ آن دیار احتمال اندکی وجود دارد که نظریات ایده‌آلیستی مجدداً در این عرصه غلبه یابند. مع‌هذا پارسنز مدعی است به سه دلیل، رویکرد ذره‌گرایانه در آن سامان امکان ایفای نقش دارد: اولاً نظریه فردگرایی اقتصادی مشتمل بر تعمیمات نوع تفسیری از عقلانیت فردگرایانه در این سنت جاری است؛ ثانیاً فردگرایی شخص‌محور با تمام تأملات راجع به استقلال

و در عین حال یگانگی‌اش در جامعه یا فرهنگ نظیر رأی رفتار نهادینه فلوید آلپورت (Floyd H. Allport, 1890-1979) برای چند نسل مورد مذاقه قرار گرفته است و ثالثاً در همین چارچوب بوده که ذره‌گرایی رفتاری مورد نظر اندیشمندانی چون هال (Granville Stanley Hall, 1846-1924) و پیروانش در فرضیه‌پردازی واحد "محرک- پاسخ" متجلی شده است.

پارسنز مدعی است فایده‌گرایی ذره‌وار (utilitarian atomism) به سبک قدیم در هیچ‌یک از این سنن قابل اعتنا نبوده و نمی‌تواند در تبیین پدیده بنیادین سازمان به‌کار رود. مثلاً در سطح ارگانیسم رفتاری نه تنها تأملات مربوط به کارکردهای مغز که آراء بوم‌شناسانی چون ادوارد تولمن (Edward Tolman, 1886-1959) از این دیدگاه مبرا نموده یا در سطح شخصیت همین بی‌اعتنائی در آراء زیگموند فروید و کورت لوین (Kurt Lewin, 1890-1947) و هنری مورای (Henry Murray, 1893-1988) و اریک اریکسون (Erik Erikson, 1902-1994) و امثالهم به چشم می‌خورد و بالاخره در سطح نظام‌های اجتماعی، طلّیعه نابودی این رأی در سال ۱۸۴۸ میلادی یعنی زمان مصادف‌شدن چاپ کتاب "اصول اقتصاد سیاسی" (Mill, 1848) جان استوارت میل (John Stuart Mill, 1806-1873) با انتشار کتاب "مانیفست کمونیستی" (Marx and Engels, 1948) کارل مارکس (Karl Marx, 1818-1883) و فریدریش انگلس (Friedrich Engels, 1820-1895) دمیده بود. به گمان پارسنز اتفاقی نبود که مسئله سوسیالیسم در غرب قرن ۱۹ میلادی نه تنها به لحاظ سیاسی که به لحاظ فکری و نظری مسکوت گذاشته شد و این

درحالی بود که مارکس احتمالاً مهم‌ترین زاده ازدواج دو سنت اصلی مورد بحث می‌نماید. به هر تقدیر این ازدواج نه در دامان مارکس که در کارهای اندیشمندان نسل پس از او نظیر دورکیم و وبر و فروید بار داد و از عجایب است که آنان نسبت به چهره سیاسی مارکس صرفاً دانشمندتر می‌نمودند.

به نظر پارسنز «در سطح جامعه‌شناختی، مارکس یکی از "پدربزرگان" نمادین نظریه کنش است» (Parsons, 1961:361) مع‌هذا به گمان وی، مارکس مانند ژوزف شومپتر (Joseph Schumpeter, 1883–1950) از شخصیتی دوگانه مرکب از عالم اجتماعی و رهبر انقلابی برخوردار است. لذا چون شرط اول بنیاد کردن علم به تفکیک دو چهره منوط بود، نسل بعد از او به سردمداری دورکیم و وبر و فروید به این مهم مبادرت ورزید.

نظریه کنش که طبق دیدگاه پارسنز مشتمل بر نظام اجتماعی و خرده‌نظام‌های آن نظیر شخصیت است، در همین نسل اخیر بنیاد نهاده شد. حتی فردگرایی اقتصادی، بیش از تمایلات سیاسی به جایگاه علمی گرایید و جهت‌گیری عام جناح چپ و رادیکال در تحلیل قدرت سیاسی اندیشمندانی چون مارتین لیپست (Seymour Martin Lipset, 1922–2006) نیز با فاصله گرفتن از مارکسیسم جزم‌اندیش و سیاسی و ایدئولوژیک، روایتی متفاوت از نظریه کنش عرضه داشت. احتمالاً در این میانه فقط آثار منتقد مکتب "فرهنگ و شخصیت" در زمینه دیدگاه‌های ذره‌گرایانه و انگارگرایانه است که استثنایی بر قاعده به‌شمار می‌رود.

پارسنز بر این مبنا نظام اجتماعی را بر پایه نظریه کنش، مرکب از

اجزایی منفک نظیر ارگانیسم رفتاری، شخصیت، اجتماع و الگوهای رفتاری در سطح خرد و اقتصاد، سیاست، اجتماع جامعه‌ای و فرهنگ در سطح کلان می‌شمارد. او خود را مؤلف این نظریه بر پایه جمع‌بندی نظریه‌های عرصه‌های مختلف علوم انسانی - اجتماعی و خصوصاً جامعه‌شناختی راجع به سازمان رفتارهای انسانی - اجتماعی می‌انگارد و در این راه نه تنها به مقتضیات استنتاج منطقی که به الزامات الگوهای پراگماتیک نیز نظر دارد، چارچوب نظری او ضمن اشمال بر بخش‌های ظاهراً منفک واقع اما مرجعی برای پژوهش‌های تجربی سیستماتیک نیز هست و همان‌طور که از چنین مرجعی نشأت گرفته، قادر است قوانین خود را دستمایه تحقیقات و تعمیمات تجربی جدیدی سازد که تحت هدایت نظری آن درآیند. در این صورت فهمی علمی از شرایط انسانی - اجتماعی حاصل می‌گردد که پاداش خود را از زندگی بهینه انسانی - اجتماعی دریافته می‌دارد.

در مجموع از آنجا که پارسنز بنا به مقتضای کار علمی خود به سطح‌بندی نظریه کنش در ابعاد خرد (مرکب از ارگانیسم رفتاری، شخصیت، اجتماع، الگوهای رفتاری) و کلان (مرکب از اقتصاد، سیاست، اجتماع جامعه‌ای، فرهنگ) می‌پردازد؛ ناگزیر در اثر حاضر پس از طرح مقدماتی الزامات علمی نظریه‌پردازی نظام اجتماعی از سوی وی کوشیده‌ایم خرده‌نظام شخصیت را با حلای مجمل مؤلفه‌های ساختی و کارکرد فرایندی آن در رابطه با سایر خرده‌نظام‌های اجتماعی قرار دهیم. چنین تجزیه‌ای اما مانع از درک ترکیبی دیدگاه او نیست، اگرچه تجربه زیسته وی را مجدداً زیستن احتمالاً نیاز به کاری طولانی با آن در راستای استنتاج قیاسی فرضیات جدید و آزمون‌شان

در میدان تجربه داشته و از تعلق خاطری عمیق به متراکم‌سازی تأملات بشر
در راستای زیست بهینه حکایت دارد.

عباس محمدی اصل

دانشگاه علامه طباطبائی